

ماجراهای مگسی ویزرز و سَرمگس ۷

پیدات کردم سَرمگس!



تد آرنولد

مترجم: مریم فیاضی

FLY GUY #07: I spy Fly Guy
Copyright © 2009 by Tedd Arnold. All rights reserved. Published by arrangement with Scholastic Inc., 557 Broadway, New York, NY 10012, USA

نشر هوپا با همکاری آژانس ادبی کیا در چهارچوب قانون بین‌المللی حق انحصاری نشر اثر (Copyright)، امتیاز انتشار ترجمه‌ی فارسی این کتاب را در سراسر دنیا با بستن قرارداد از ناشر آن (Scholastic) خریداری کرده است.

انتشار و ترجمه‌ی این اثر به زبان فارسی از سوی ناشران و مترجمان دیگر مخالف عرف بین‌المللی و اخلاق حرفه‌ای نشر است.



برای کلب، آیدان، کلان، ایتان و کوین، همه‌ی
بروبچه‌های باحال!

هوپا
Hoopa

آدرس: تهران، میدان فاطمی، خیابان بیستون
کوچه‌ی دوم الف، پلاک ۳/۱، واحد دوم غربی
صندوق پستی: ۱۴۳۱۶۵۳۷۶۵
تلفن: ۸۸۹۶۴۶۱۵
همه‌ی حقوق چاپ و نشر انحصاراً برای نشر هوپا محفوظ است.
استفاده از بخش‌هایی از متن کتاب، فقط برای نقد و معرفی آن مجاز است.

www.hoopa.ir
info@hoopa.ir

سرشناسه: آرنولد، تِد، ۱۹۴۹-م.

Arnold, Tedd

عنوان و نام پدیدآور: پیدات کردم شرمگس! / نویسنده و تصویرگر تِد آرنولد؛ مترجم مریم فیاضی؛ ویراستار سیدنوید سیدعلی‌اکبر.

مشخصات نشر: تهران: نشر هوپا، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: ۳۶ص: مصور(رنگی).

فروست: ماجراهای مگسی ویزرز و شرمگس؛ ۷.

شابک: دوره ۱-۳۸-۸۶۵۵-۶۰۰-۹۷۸-۶۰۰-۸۶۵۵-۴۵-۹؛ دوره ۲-۳۸-۸۶۵۵-۶۰۰-۹۷۸-۶۰۰-۸۶۵۵-۴۵-۹

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: c۲۰۰۹ I spy Fly Guy

یادداشت: گروه سنی: ب.

موضوع: داستان‌های تخیلی

موضوع: Fantastic Fiction

موضوع: مگس‌ها — داستان

موضوع: Flies — Fiction

موضوع: داستان‌های طنزآمیز انگلیسی

موضوع: Humorous stories, English

شناسه افزوده: فیاضی، مریم، ۱۳۶۱- مترجم

رده بندی دیویی: ۱۳۹۵ پ ۱۳۰۴۹۲

شماره کتابشناسی ملی: ۴۶۲۹۶۸۷



پیدات کردم
شرمگس!

نویسنده و تصویرگر: تِد آرنولد

مترجم: مریم فیاضی

ویراستار: سیدنوید سیدعلی‌اکبر

مدیر هنری: فرشاد رستمی

طراح گرافیک: مهدخت رضاخانی

ناظر چاپ: مرتضی فخری

چاپ چهارم: ۱۳۹۶

تیراژ: ۲۵۰۰ نسخه

قیمت: ۷۰۰۰ تومان

شابک دوره: ۱-۳۸-۸۶۵۵-۶۰۰-۹۷۸-۶۰۰-۸۶۵۵-۴۵-۹

شابک: ۹-۴۵-۸۶۵۵-۶۰۰-۹۷۸-۶۰۰-۸۶۵۵-۴۵-۹

پسری بود که توی خانه مگس نگه می‌داشت.
اسمش را گذاشته بود سَرمگس.
سَرمگس بلد بود اسم پسر را بگوید:



فصل ۱

ویز گفت: «بیا قایم موشک بازی کنیم.»



روزی از روزها، سَرمگس و ویز رفتند بیرون.

خوش داشت وقتی ویز دنبالش می‌گردد
از خودش پذیرایی کند.



۵



سرمگس قایم شد توی سطل آشغال.
همیشه همان جا قایم می‌شد.

۴

ویز توی اتاقک پشت حیاط قایم شد و در را بست.



۷

ویز گفت: «پیدات کردم سرمگس! حالا نوبت من است قایم شوم.»



۶

قصه‌هایی ماجراجویانه و خنده‌دار از دوستی
 یک بچه آدم و یک بچه مگس
 پُر از سطل آشغال‌های بوگندو و غذاهای
 قهوه‌ای چسب‌چسبی
 پُر از مگس و سَر مگس
 ویز و ویز... ویز و ویز زرزرز!!!

